

اشاره

قرائت و رسم الخط و همچنین عضو هیئت تحریریه مجله رشد آموزش قرآن است. در سفر ایشان به مدینه النبی(ص)، فرصتی فراهم شد تا دو استاد (استاد سیف و استاد عثمان طه) ملاقاتی با هم داشته باشند. حاصل این ملاقات، به صورت گفت‌وگویی پیش‌روی شماست. امیدواریم بتوانید از حاصل ملاقات این دو استاد سوری و ایرانی استفاده کنید.

● استاد، با برادر شما آقای علی طه، مدتی قبل ملاقات داشتیم، به ایران آمده بودند.

○ مصحف علی در ایران به چاپ رسیده است.

● بله، درست است.

○ بله، یک جلد هم برای من

فرستادند. علی

شاگرد من است

عثمان طه برای کسانی که با قرآن سر و کار دارند، نامی آشناست. از دهه ۶۰ که قرآن با کتابت وی در دست قاریان ایرانی قرآن کریم قرار گرفت، کم‌کم نام او هم بر سر زبان‌ها افتاد. نوع کتابت عثمان طه خاص بود، طوری که حتی قاریان بنام هم گاهی در قرائت به زحمت می‌افتادند، تا جایی که برخی از آنان در مسابقات مهم، قرآن‌های شخصی خودشان را با خود می‌آوردند. تا اینکه قرآن معروف به «قرآن عثمان طه» جای خود را در ایران و سایر کشورهای اسلامی باز کرد. به جرئت می‌توان گفت، قرآن کریم با کتاب عثمان طه بیشترین شمارگان را در کشورهای اسلامی داشته است.

سیدمهدی سیف

هم از استادان علم

نامی که با کتابت قرآن کریم گره خورده است

گفت‌وگویی اختصاصی رشد آموزش قرآن

با عثمان طه، کاتب قرآن کریم

گفت‌وگو: سیدمهدی سیف

گفت‌وگو



و سن او از من کمتر است.

● استاد تا به حال چند جلد قرآن کتابت کرده‌اید؟

○ دقیقاً نمی‌دانم، فکر می‌کنم از ده جلد بیشتر است.

● یعنی آن‌هایی که اخیراً کتابت کردید، از لحاظ خواندن متفاوت‌اند؟

○ بله، اهل مغرب جلدی دارند که به آن «روایت ورش» می‌گویند. ورش یکی از ائمه قرائت بوده و براساس روایت او، این قرآن در تونس و الجزایر و مغرب به چاپ رسیده است. قرآن‌ها یکسان هستند اما شیوه‌های قرائت آن‌ها با یکدیگر کمی متفاوت است. همچنین در کشورهای شمال آفریقا، مانند لیبی و نیجریه، روایتی به نام «روایت قالون» دارند. قالون نیز یکی از ائمه قرائت است و روایتی مربوط به خود دارد.

روایت دوم از نافع نقل شده است. «روایت ورش» و «روایت قالون» هر دو از نافع مدنی نقل شده‌اند که همه آن‌ها اهل مدینه هستند، خارج از آن زندگی کردند، اما قرائت را از اهل مدینه یاد گرفتند. نوشتن هم شیوه‌های متفاوت مانند لهجه‌ها دارد؛ نوشتن‌های متفاوت دارند.

● شما کتابتی را براساس روایت ابو عمر الدوری خوش‌نویسی کردید؟

○ بله.

ما چهار روایت معروف داریم و براساس آن‌ها چهار جلد قرآن کتابت شده و به چاپ رسیده است: روایت حفص، ورش، قالون و ابو عمر الدوری.

الان برخی از روایت‌های کم‌نظیر وجود دارند که تلاش می‌کنیم آن‌ها را در جلد‌های مستقل، با تفاوت کم، حدود سه تا چهار کلمه، در هر صفحه چاپ کنیم.

● یعنی کتابت به‌طور کامل انجام نمی‌شود؟

○ بله، خوش‌نویسی قرآن تقریباً سه سال زمان نیاز دارد. مثلاً برای ده قاری، باید سی سال به‌طور پیوسته، بیست و چهار ساعت در روز کار کنیم. الان رایانه کار را آسان کرده است. کلمات را با همان خط تغییر می‌دهند.

● خط شما به برنامه نرم‌افزاری تبدیل شده است؟

○ بله.

● به خط خودتان؟

○ بله.

● یعنی در رایانه است؟

○ زیباترین خط است.

● در بازار هم وجود دارد؟

○ اگر سایت مجمع الملک را باز کنید، یک نسخه به نام «طه» وجود دارد.

● یعنی تمام کلمات را شما خطاطی کرده‌اید.

○ بله، سه سال روی آن کار کردم.

● منظورم این است که آیا می‌توانیم آن را از سایت مجمع الملک فهد دانلود و چاپ کنیم؟ یعنی می‌توانیم خط شما را بارگیری کنیم؟

○ بله، می‌توانید خط را روی رایانه خود بارگیری و استفاده کنید.

● این خیلی عالی است. اعراب آن نیز منظم و زیبا است؟
○ غالباً اعراب رایانه‌ای منظم نیست ولی اعراب این قرآن‌ها منظم است.

● الان نمونه چاپ شده به خط خودتان دارید؟

○ نمی‌دانم، باید نگاه کنم. کتاب‌خانه بزرگی دارم، خیلی هم شلوغ است. آدم داخل آن گم می‌شود.

● استاد فارسی هم بلد هستید.

○ بله اما کم.

● برخی از ناشران در خط شما تصرف می‌کنند. آیا از شما اجازه می‌گیرند.

○ نه، نه، بعضی وقت‌ها امضای مرا هم برمی‌دارند.

به نظرم اطلاع ندارند، چون خط بدون امضا قابل قبول نیست.

● یک جلد از قرآن را به خط شما دیدم که براساس قرائت ورش اصلاح شده بود. آیا از شما اجازه گرفته شده بود؟

○ نه.

● یعنی شما اجازه ندادید؟

○ نه؛ اگر جلدی را برای کسی خوش‌نویسی کنم، مال او می‌شود و حق تصرف در آن را دارد. برای من خیلی مهم نیست. جلد‌های زیادی و هزاران خط را خوش‌نویسی کرده‌ام. نمی‌توانم همه آن‌ها را کنترل کنم. ده‌ها هزار عنوان کتاب و ادعیه مانند دلائل الخیرات را هم خطاطی کرده‌ام.

● استاد! من سی سال پیش با خط شما آشنا شدم. به سوره مسافرت کرده بودم که وارد بازار حمیدیه شدم و به مسجد اموی رسیدم. آنجا در ابتدای بازار، کتاب فروشی

ها زیادی وجود دارند. یکی از قرآن‌ها را باز کردم. زیبا بود. خطش جدید بود. قرآن را گرفتم و مطالعه کردم. داخل

آن «خطاط؛ عثمان طه - دار الشامیه» نوشته شده بود؛ چاپ نخست. چاپ اول متعلق به سی سال پیش بود؛ یعنی

تقریباً سال ۱۹۸۰ میلادی.

از امتقیر جناب و عیون

- بیشتر از سی سال. سال ۱۹۷۰ میلادی بود. من آن جلد را سال ۱۹۷۲ یا ۱۹۷۳ میلادی خوش‌نویسی کردم و در آن زمان به چاپ رسید. احتمالاً شما چاپ جدیدتر از آن را دیده‌اید.
- شاید خط دیگری از خطوط شما بود. شما چند نوع خط دارید؟
- اولین خوش‌نویسی من برای دارالشامیه بود. یک جلدی از قرآن را خوش‌نویسی کردم که در سراسر جهان منتشر شد. سال ۱۹۷۳ یا ۱۹۷۲ میلادی کار خطاطی آن تمام شد. اولین قرآنی که خطاطی کردم، تقدیم رئیس‌جمهور وقت سوریه «حافظ الاسد» کردم.
- خط دیگری بود.
- بله، آن را در سال ۱۹۶۹-۱۹۷۰ میلادی خطاطی کردم.
- نوشته بود «عثمان حسین».
- درست است. خط آن هم خیلی زیبا بود. اولین قرآنی بود که خوش‌نویسی کردم، فروشی نبود. هدیه‌ای برای رئیس‌جمهور بود.
- من دنبال چنین قرآنی بودم اما نتوانستم آن را به‌دست بیاورم.
- فروشی نیست. به‌عنوان هدیه به هیئت‌های اسلامی داده می‌شد که به سوریه می‌آمدند. وزیر اوقاف اختیار داشت نسخه‌هایی از این قرآن را به این هیئت‌ها اهدا کند. دومین جلد را برای انتشارات دارالشامیه خوش‌نویسی کردم که نسخه‌های زیادی از آن منتشر شد.
- نسخه‌های زیادی از این جلد منتشر شده و در ایران هم سی سال پیش به چاپ رسید.
- بله، اینجا هم در مجمع‌الملک به چاپ رسید.
- همان سال، ۱۳۶۳ شمسی به چاپ رسید. ما در ایران تقویم هجری شمسی داریم. میلادی استفاده نمی‌کنیم.
- من بیست و سه سال است که در مدینه‌النبی زندگی می‌کنم.
- یعنی قبل از اینکه به اینجا بیایید، اولین قرآنتان چاپ و منتشر شد.
- بله همین‌طور است. این نسخه از قرآن به نام نسخه امام معروف و در جهان بی‌نظیر است که البته با نسخه دارالشامیه کمی متفاوت است.
- این نسخه جدیدتر است؟
- جدید است اما شانزده سال پیش به چاپ رسیده است.
- در مسجد‌العردم و مسجد‌النبی موجود است. نسخه دیگری از آن وجود ندارد.
- پس خطی که در این نسخه استفاده شد، همان است که در حرم موجود است؟
- نسخه قدیمی دوباره به چاپ نمی‌رسد.
- اما در ایران فقط نسخه قدیمی را چاپ می‌کنند. طوری که من می‌دانم، مجوزی ندارند که خط‌های جدید شما را چاپ کنند.
- مجمع‌الملک اصلاً اجازه نمی‌دهد.
- چرا؟
- چون مخصوص مجمع‌الملک است و چاپ آن در کشورهای دیگر ممنوع است.
- برخی از مؤسسات در خط شما تصرف کرده‌اند. آیا این با اجازه شما بوده است؟
- نه، من به کسی اجازه نداده‌ام. به کسی اجازه نمی‌دهم در خطم تصرف کند. مشورت نمی‌کنند و آن‌ها را هرگز نمی‌بینم. تصرف در خط باعث از بین رفتن زیبایی آن است. این هنر است. هرگز نباید در هنر تصرف کرد. الان با استفاده از رایانه به خطوط اصلی صدمه می‌زنند. برای مثال، خط فارسی هرگز تصرف نمی‌پذیرد. خیلی زیباست. خیلی دقیق است. از همان حرف اول مشخص می‌شود خطاط مهارت دارد یا نه؛ مثلاً می‌توان کمی در خط ثلث تصرف کرد اما در خط فارسی نه. تنها یک‌بار خطاطی می‌شود.
- استاد! خط ثلث شما خیلی زیباست.
- شما چیزی از خط ثلث ندیده‌اید. الان در مدینه برای گرامی‌داشت خوش‌نویسان همایشی وجود دارد. هر

وَبِالْحَمْدِ لِلَّهِ نَحْمَدُهُ وَبِالْحَمْدِ لِلَّهِ نَسْتَعِينُ

- خوش‌نویس نمونه‌ای از کارش را می‌فرستند. اگر نمونه‌ او مورد قبول بود، برای شرکت در همایش دعوت‌نامه‌ای برای او فرستاده می‌شود. خوش‌نویسان ایرانی خیلی معروف‌اند.
- خط ایرانی به «نستعلیق» معروف است.
- حسین امیرخانی از خوش‌نویسان معروف، دوست من است. جلیل‌رسولی هم همین‌طور.
- معروف‌ترین خوش‌نویسان قرآنی یزدانی است.
- سیدحسین میرخانی را هم داریم که قرآن را با خط نستعلیق خوش‌نویسی کرد؛ به خط فارسی.

- من بیشتر تابلوهای خوش‌نویسان ایرانی را دارم؛ به‌ویژه عماد الحسنی.
- میرعماد خیلی قدیمی است.
- او پادشاه خط است. دویست سال پیش.
- عالی است.

○ کتابی در مورد او دارم. من به خط فارسی خیلی علاقه دارم. خیلی ظریف و زیباست. زمانی از من پرسیدند تفاوت خط ثلث با خط نستعلیق چیست؟ گفتم خط نستعلیق مانند عروسی است که لباسی ساده می‌پوشد اما زیباست، اما خط ثلث شبیه عروس عربی است که طلا و الماس و زیورآلات زیادی را برای زینت استفاده می‌کند.

- اما هر کدام زیبایی‌های خاص خود را دارند.

○ از لحاظ هنری، خط ثلث را به کوه احد و خط نسخ را به درختان پایین کوه تشبیه می‌کنند. خط ثلث چیز متفاوتی است. محمد بدوی الدیرانی استاد من در دمشق به خط فارسی خیلی مسلط بود.

- محمد بدوی؟

○ از او برداشت کردم اما بعداً دیدم که خط فارسی زیباتر است. بین آن خط و برداشت‌های خودم جمع کردم. خوش‌نویسی‌های محمد بدوی دقیق بود اما حرف الف را دراز می‌نوشت. ایرانیان حرف الف را دراز نمی‌نویند. ایرانیان در خط نستعلیق حرف اول را می‌زنند اما در خط ثلث نه.

- تلاش می‌کنم تمامی آنها با آیه ختم شوند.
- اولین کسانی که صفحه را با آیه ختم کردند، چه کسانی بودند؟
- عثمانی‌ها.
- منظورتان حافظ عثمان است؟
- بله.
- قبل از او هم کسی را داریم؟



○ نه، ولی بعد از او داریم.

● قرآن حافظ عثمان را داریم که هر صفحه آن با آیه ختم می‌شود. قرآن به خط او است.

○ من هم دارم.

○ از آیه «ما کان محمد أباً أحد من رجالکم» [سوره فتح] برای موضوع برگزاری مسابقه خوش‌نویسی در استانبول استفاده کردیم. خوش‌نویسان جهان در این مسابقه شرکت کرده‌اند. الان جوایز بزرگ خوش‌نویسی مال ایرانیان است. ترک‌ها خوش‌نویسی می‌کنند و می‌گویند این خوش‌نویسی فارسی-ترکی است. مسابقه‌ای برگزار کردند که جایزه با

عماد الحسنی است. کتابی در مورد او دارم. امیرخانی، جلیل رسولی و عباس اخوین، بزرگان خوش‌نویسی هستند. آنها را دعوت کردیم اما نمونه‌ای از کارشان نفرستادند و نیامدند. نمی‌دانم چرا.

● همایش خوش‌نویسان چه زمانی برگزار می‌شود؟

○ روز ۲۲ ماه پنجم میلادی من اسامی آنها را برای همایش داده‌ام. حتماً می‌آیند.

● استاد بشار را حتماً می‌شناسید.

○ بله. همایش‌های زیادی در مورد خط برگزار می‌شود. الان هم نهضتی در خط در جریان است. خیلی از خوش‌نویسان جوان هم هستند که خط بسیار زیبایی دارند.

● استاد، شما باید نمایشگاه بزرگی برگزار کنید که تمامی تابلوهایتان را نشان بدهد.

○ تابلوهایم خیلی زیاد است. به بیست سی غرفه نیاز دارد.

● جلیل رسولی و دیگر خوش‌نویسان، نمایشگاه‌های خاص خودشان را دارند. شما هم باید نمایشگاه بزرگ خودتان را داشته باشید تا تمام تابلوهایتان در آن ارائه شود.

○ وقت ندارم. من تمام زندگی‌ام را صرف خوش‌نویسی قرآن کرده‌ام. بنابراین، برای برگزاری نمایشگاه وقت ندارم. البته به دستور وزارت اوقاف، برای این تابلوها چارچوب ساختند و نمایشگاهی برگزار کردند. بعد هم آنها را به من پس دادند. من با آقای بشاراسد صحبت کردم، گفت: برای ما دوره‌های آموزش خوش‌نویسی برگزار کنید. گفتیم من آماده‌ام. فقط چراغ سبزی به من نشان دهید. خدا را شکر آدم‌هایی را دارم که از این فعالیت‌ها پشتیبانی کنند. بازرگانان و اصحاب هنر آماده‌اند تا از این فعالیت‌ها پشتیبانی کنند.

● ما با مرکز طبع و نشر قرآن کریم در جمهوری اسلامی ایران همکاری می‌کنیم. خط شما را وارد رایانه کردند اما از لحاظ زیبایی مطلوب نبود.

○ بله، به ملک عبدالله هنگامی که به ایران آمدند، اهدا کردند. ● بله، درست است.

○ خط من اما بود رایانه‌ای بود.

● اما به زیبایی خط اصلی شما نبود.

● استاد از وقتی که در اختیار ما گذاشتید بسیار ممنون هستیم.

○ من هم از شما سپاسگذارم.



ارزشی داشت. یکی از جوانان ایرانی در آن مسابقه تابلویی ارائه کرده بود. آن تابلو از زیباترین تابلوهایی بود که تا به حال دیده‌ام. یکی از ترک‌ها هم به خط فارسی خوش‌نویسی کرده بود که برنده شد. به آقای میرخانی گفتم: چرا ساکتی؟ این خوش‌نویسی نیست. ترک‌ها شنیدند، ناراحت شدند و مشکلی بین ما و آنها پیش آمد.

○ امیر خانی خوش‌نویس بزرگی است.

○ از دوره عماد الحسنی تا به حال، خط فارسی خیلی پیشرفت کرده تا به اوج رسیده است. پادشاه خط فارسی